

## نقش مشارکت مردمی در پیشرفت کشور و جلب مشارکت آن‌ها

طوبی جهان‌دیده<sup>۱</sup>، رسول عباسی<sup>۲</sup>

### چکیده:

از آنجایی که توسعه و پیشرفت کشور مبتنی بر حمایت مردم از اصول و راهبردهای حکومت می‌باشد مشارکت مردم نقش به‌سزایی دارد زیرا این مردم هستند که با حمایت خود از راهبردها و قوانین می‌توانند به حاکمان، قدرت بدهند. مشارکت به معنای شرکت کردن مردم در اموری می‌باشد که تأثیر زیادی بر زندگی‌شان می‌گذارد. در این راستا سند چشم‌انداز بیست ساله نظام اسلامی، محتوای اصلی آن، ترسیم پیشرفت نظام اسلامی در تمامی ابعاد این کشور است. در چنین موقعیتی است که نقش مردم پر رنگ می‌شود و مشارکت آنان در حمایت از الگوی پیشرفت حائز اهمیت است. در این مقاله انواع مشارکت‌ها از جمله اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بیان شده است و موضوعاتی از قبیل اهمیت و ضرورت مشارکت در توسعه کشور، رابطه مشارکت مردم و سند چشم‌انداز، راهکارهای جلب مشارکت مردم در تحقق هدف چشم‌انداز از ابعاد این مقاله می‌باشد که به توضیح و تبیین آن‌ها پرداخته می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** مشارکت عمومی، نقش مردم، اعتماد به یکدیگر، مشارکت

### مقدمه

مشارکت از نظر لغوی به معنی شرکت کردن است. مشارکت نوعی رفتار با مردم است که آنان را قادر می‌سازد تا بر حوادث مؤثر بر زندگی‌شان تأثیر قاطع بگذارند و دارای اهمیت و ارزش تلقی شوند (انصاری، ۱۳۹۰، ص ۱). مشارکت مردم دارای انواع مختلفی است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌گردد.

**مشارکت اقتصادی:** در واقع «مشارکت اقتصادی بر تأثیرگذاری بر شیوه و پویای تولید، روابط حاکم بر این پویای و وسایل مادی تولید برای رفع نیازهای مادی و افزایش تولید متمرکز است که در قالب مداخله و درگیر شدن افراد در نظام تصمیم‌گیری مربوط به تخصیص منابع اقتصادی و مشارکت در

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی دانشگاه تهران

<sup>۲</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه حضرت معصومه (س)



سیاست توسعه اقتصادی نمود پیدا می‌کند (غفاری، ص ۱۴۷، ۱۳۸۰) مشارکت اقتصادی با فرایند تولید و نظام‌های تولیدی رابطه تنگاتنگ دارد. تعاونی‌ها، سازمان‌یافته‌ترین اشکال مشارکت اقتصادی‌اند. در کل می‌توان ادعا کرد که منظور از مشارکت اقتصادی، حضور آگاهانه و مختارانه اقشار مختلف مردم در جهت تولید، پس‌انداز سرمایه‌گذاری بیشتر و مطلوب‌تر، توزیع مناسب و عادلانه، مصرف عقلانی و بهینه از منابع مادی و طبیعی و کالاهای مورد نیاز زندگی و صرفه‌جویی در استفاده از منابع کمیاب زندگی است. (سعیدی، ص ۱۱، ۱۳۸۲)

**مشارکت فرهنگی:** یکی از محورهای اصلی توسعه و شایداصلی‌ترین آن را باید مشارکت فرهنگی دانست. اگر بنا باشد توسعه فرهنگی تحقق یابد، باید فرهنگ از وضعیتی که در آن به شکل کالایی لوکس مطرح است، خارج شود و در دسترس همگان به ویژه گروه‌های محروم اقتصادی، اجتماعی قرار گیرد. مشارکت فرهنگی بهره‌مندی و بهره‌گیری عموم مردم از مجموع کالاها، تجهیزات، اشیاء و محتوای فرهنگی را ممکن می‌کند. عوامل متعددی می‌تواند مشارکت مردم به ویژه جوانان را به عنوان سرمایه‌های انسانی در فعالیتهای فرهنگی تحت تأثیر قرار دهد. بدیهی است برای بررسی این عوامل به آگاهی از شیوه‌های رفتاری مردم، علاقه، نگرش و انگیزه آنان نسبت به فعالیتهای فرهنگی و شناخت موانع و محدودیتهای مشارکت فرهنگی نیاز است به طور کلی مشارکت فرهنگی، بهره‌مندی و بهره‌گیری عموم مردم از منابع فرهنگی تعریف می‌شود. منظور از منابع فرهنگی، در معنای وسیع کلمه، مجموع کالا و اشیای در دسترس است که انجام فعالیتهای فرهنگی را ممکن یا تسهیل می‌کند. فعالیتهای فرهنگی، فعالیتهایی هستند که اعضاء یک جامعه از طریق آن، استعدادهای خود را توسعه و شخصیت خود را گسترش می‌دهند (جووانی وادیب، ص ۱، ۱۳۹۰)

**مشارکت سیاسی:** فعالیتهای داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیر مستقیم در سیاست‌گذاری عمومی است.

مشارکت سیاسی مجموعه فعالیتهای قانونی شهروندان غیر حکومتی است که کم و بیش قصد دارند به طور مستقیم بر انتخاب کارگزاران حکومتی یا اعمال آنان اثر بگذارند.

تعاریف مقام معظم رهبری از مشارکت چنین است: «مشارکت مردم یعنی حکومت بار اداره جامعه را به تنهایی بر دوش نگیرد، بلکه با کمک مردم بگیرد که این بسیار منطقی است» (دیلمی، ص ۷، ۱۳۸۹)

در نظام جمهوری ایران مشارکت سیاسی، به معنای حق دخالت مردم در امر تصمیم‌گیری‌های سیاسی در نظارت بر آنها با توجه به اصل قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است این مشارکت مبتنی بر اصول قانونی، مذهبی و عرفی حاکم بر روابط اجتماعی مردم ایران است.

مشارکت سیاسی در گیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی استجیری نت پری معتقد است که باید سه جنبه مشارکت سیاسی یعنی شیوه مشارکت، شدت آن و کیفیت آن را بررسی کرد. (صبوری، ۱۳۸۱، ص ۱۲۳)

### ویژگی‌های مشارکت:

۱- مشارکت مشروط به برابری انسان‌ها و منوط به آزادی آن‌هاست. در یک نظام مشارکتی فرض بر این است که مردم باید فرصت مناسب برای تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و به دست آوردن مشاغل عمومی را داشته باشند.

۲- مشارکت حق مردم است و بیش از هر چیزی نیازمند اقدام آگاهانه است. مشارکتی امری تحمیلی یا دعوتی نیست. بلکه نوعی توان بخشی به گروه‌های ضعیف توأم با مشکلات نقش داشته باشند. چنین مشکلاتی نه فرمایشی است، نه وضع کردنی، بلکه باید آن را به دست آورد. یعنی امتیاز نیست که حکومت به اتباع خویش می‌دهد بلکه حقی است که باید از آن استفاده کند.

۳- مشارکت یک فرایند است با محصول ثابت و ن‌هایی توسعه

۴- مشارکت فعالیت کمی و کیفی و دارای درجاتی است لذا گسترده و ژرفای آن متغیر و در عین حال مهم می‌باشد. وسعت مشارکت بدون عمق کافی آن را سطحی و آسیب پذیر می‌گرداند. عمق بدون وسعت مشارکت نمی‌شود.

۵- مشارکت دارای پیامدهای دوسویه است و چنانچه بنا باشد. مؤثر واقع گردد. مستلزم تغییراتی بنیادی در اندیشه و عمل است که باید از درون جامعه بجوشد و در قالب‌های پایدار و مقبول جامعه و دولت تبلور یابد. ایده‌های مربوط به مشارکت یک نقطه مشارکت دارد و آن اهمیت دادن به نقش و نظر مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و دسترسی آنان به منابع قدرت است. (انصاری، ۱۳۹۰، ص ۲)

### شاخص‌های اصلی فرهنگ مشارکت:

فرهنگ سیاسی با توجه به پدیده مشارکت با سه شاخص اصلی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- اعتماد به یکدیگر

۲- رضایت از زندگی

۳- حمایت از دگرگونی انقلابی

پیدایش هنجار نگرش در میان عموم مردم جهت مشارکت سیاسی ضروری است. یکی از مهم‌ترین این نگرش‌ها حس اعتماد به یکدیگر است. اعتماد به دیگران، یک پدیده ژنتیکی فطری نیست بلکه یک



پدیده فرهنگی است که تجارب تاریخی مردم به آن شکل می‌دهد و در معرض تغییر قرار می‌گیرد. (اینگلهارت، ۱۳۷۳، ص ۴۹) اعتماد عمومی عامل اثر گذار مهمی بر توان مدیریت دولتی در انجام مسئولیت‌هایش محسوب می‌شود. وظیفه مهم فراروی دولت جمهوری اسلامی ایران درگیری و مشارکت خردمندان مردم در تحقق اهدافش می‌باشد. اهدافی که بدون تردید، بدون جلب اعتماد عمومی و پیوند مردم و حکومت محقق نخواهد شد. اعتماد می‌تواند عامل موثر مهمی بر حاکمیت تصور شود، اعتماد به دولت از منظر سیاستمداران و بوروکرات‌ها امری ضروری است. زیرا کناره‌گیری شهروندان و عدم حمایت از دولت، مشروعیت حاکمیت دموکراتیک را زیر سؤال می‌برد. هیچ چیز، نه خطاها، نه عدم کارایی، نه ضایعات، نه مالیات‌های سنگین، نه وجود مقررات بیش از حد، نه حتی شکست در جنگ دولت را از ریشه نمی‌لرزاند به جز وجود باور که عامه مردم تصور کنند که حاکمان و مدیران دولتی به جای توجه به منفعت عامه موکلین خود به منفعت شخصی خود می‌اندیشند. زمانی این باورها میان مردم فراگیر شد و برای مدت طولانی تداوم یافت اعتماد به نهاد دولت از دست خواهد رفت. آنچه حائز اهمیت است وفاداری عامه مردم است بی تردید، برای ایجاد اعتماد در پیوستگی عمومی با نگاهی، پیوند شهروندان و دولت ضروری است. (دانایی فرد، ص ۹، ۱۳۸۴)

رضایت کلی از زندگی، قسمتی از نشانگان گسترده نگرش‌هایی است که نشان می‌دهد، شخص نگرش نسبتاً مثبت یا منفی نسبت به جهانی که در آن زندگی می‌کند دارد. رضایت از زندگی، خوشبختی، اعتماد به یکدیگر و اینکه شخص از دگرگونی‌های بنیادین اجتماعی حمایت کند. یا از جامعه کنونی خود، همه با هم در یک دسته فرهنگی که ارتباط تنگاتنگ با توأم یا فقدان نهادهای دموکراتیک برای مدت طولانی در یک جامعه دارد گردهم می‌آیند. به نظر می‌رسد این نگرش‌ها یک جنبه دیرینه از فرهنگ‌های مورد نظر بوده، مؤلفه‌های بلند مدتی را تشکیل می‌دهند که زمینه ساز سطوح مطلق رضایت از عملکرد حکومت در هر زمان معین است. این نشانگان با سطح اقتصادی یک کشور در ارتباط است (اینگلهارت، ۴۶، ۱۳۷۳-۴۷)

### نقش دولت‌ها در گسترش مشارکت‌های فرهنگی:

نظریه پردازان توسعه فرهنگی در کنار نقش با اهمیتی که به مشارکت فرهنگی می‌دهند از موانع ساخت یافته و تاریخ فرهنگی - سیاسی و اقتصادی بر سر راه مشارکت نیز آگاه‌اند و به همین دلیل جایگاه ویژه‌ای را برای دولت و سیاست‌های فرهنگی برای مبارزه با این موانع قائل هستند به گونه‌ای که کنوانسیون شماره ۱۶۹ مسئولیت توسعه مشارکتی و اقدام نظام یافته و هماهنگ برای حمایت از حقوق این جوامع را بر عهده دولت‌ها گذاشته است. در هر جایی که اقدامات، ممکن است مستقیماً بر

مردم تأثیر گذارد باید با آنان مشورت شود. باید حقوق اجتماعی مذهبی و رسوم آن‌ها مورد حمایت واقع شود این کنوانسیون تصریح می‌کند که باید به مردم بومی اجازه داده شود تا درباره الویت‌ها و محورهای توسعه خودشان تصمیم بگیرند. دستیابی به این اهداف نیز محتاج استقرار چارچوب هنجارهای ملی و مناسب و سازکارهای مشاوره و گفتگو میان دولت و جوامع بومی است. به علاوه به سازمان‌هایی منسجم نیازمند است که مشارکت را تحقق بخشند. در کل وظیفه مدیریت کلان جامعه یا دولت ایجاد زمینه برای بهره‌وری افراد، گروه‌ها و اقشار مختلف از منابع و کالاهای فرهنگی در وهله اول و مشارکت در فرهنگ از طریق تجلی خلاقیت‌ها و نوآوری‌هایی فرهنگی در وهله دوم است. رنه مائودبیرکل وقت یونسکو در این رابطه می‌گوید: زندگی فردی مستلزم آزادی پرس جو، انتقاد، نوآوری، پیمان و ارتباط است و اگر ما بخواهیم وظیفه دولت را آن قدر گسترش دهیم که توسعه فرهنگی را نیز در برگیرد. برآن نیست که خودانگیزی فرهنگی را متهور نیاز دولت سازیم بلکه بر عکس برای آن است که وسایل بزرگ و قدرت دولت را در خدمت توسعه فرهنگی و گسترده‌ترین شرکت مردم در دستاوردهای آن قرار دهیم. (مصطفایی، ۱۳۸۷، ص ۱۳)

### نقش مشارکت مردم در پیشرفت کشور:

امروزه به مشارکت به عنوان مؤلفه اساسی و تفکیک‌ناپذیر توسعه نگریسته می‌شود. پذیرش مفهوم جدید توسعه و تلاش در تحقق آن، قبول ویژگی‌های عقلانیت و خردورزی است و در آن کنش منطقی و حساس‌گری و برنامه‌ریزی نهفته است، به طوری که تنظیم روند هر نوع توسعه لازم است بین اهداف و وسایل دست‌یابی به آن‌ها هماهنگی ایجاد شود. و از تمامی این منابع در ابعاد مختلف خود ارزش گذاشته شود. به عبارتی مشارکت از شروط لازم تحقق توسعه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌باشد که به نقش فعال و خلاق و اثربخش مردم در روند توسعه توجه دارد. در بررسی برنامه‌ها، عدم بهرمندی از مشارکت مردم به عنوان عامل اصلی شکست برنامه‌های توسعه ارزیابی شده است. (خبرگذاری کردپرس، ۱۳۹۰) مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی، یکی از مباحث مهم در حوزه علوم سیاسی و فلسفه سیاسی است این مشارکت در درجه نخست از طبع اجتماعی انسان و منابع فراوان حاصل از این کارکرد ریشه می‌گیرد. عنصر اجتماعی در جامعه، علایق مشترکی را پدید می‌آورد که حفظ و پاسداری از آن‌ها. امر مشارکت را برای هر یک از افراد جامعه اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. مشارکت در امور اجتماعی، نوعی تعهد و قبول مسئولیت فردی و اجتماعی است که همه افراد انسانی ناگزیر به پذیرش آن هستند. این تعهد و مسئولیت یا ممکن است در قالب فعالیت معین و نامحدود صورت پذیرد، مانند بسیاری از رفتارهای اخلاقی و اجتماعی، یا اینکه ساختار حقوقی و اقتصادی به خود

گیرد. اعضای جامعه به دلیل دارا بودن نقش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود در حکم گلبول‌های قرمز و سفید بدن انسان هستند. همان گونه که افزایش یا کاهش گلبول‌های یاد شده به بدن آسیب می‌رساند، نارسایی در مشارکت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیز ادامه حیات را دست خوش تزلزل می‌سازد تا آنجا که اگر بعد اجتماعی خود را از دست بدهد نابودی آن حتمی است. اگر هم پا برجا بماند، هدف خود را که خدمت به اعضا و اصلاح جامعه است گم نکند، البته این در صورتی که مشارکت از درون و اندیشه فرد بجوشد و با میل و رغبت همراه باشد (دیلمی ۱۳۸۹، ص ۱۲).

از طریق مشارکت مردم در امور مربوط به خود، قوه ابتکار و ابداع مردم تقویت شده و به نحو احسن مورد استفاده قرار خواهد گرفت. مردم به شکل ملموس و واقعی با امور اجرایی برخورد نموده و از این رو شکاف آنان از دستگاه‌های دولتی، دولت‌های محلی و نیز تعارض منافعشان رو به کاهش خواهد گذاشت. یکی از با ارزش‌ترین جنبه‌های مشارکت این است که علاوه بر تشویق به حداکثر تلاش و کوشش، نیروی ابتکار، خلاقیت و سازندگی افراد را نیز شکوفا می‌کند. شوق به انجام کار گروهی و مسئولانه، افراد را وادار می‌کند که بر هر مشکلی، بهترین و عملی‌ترین راه حل را پیدا کنند و در شرایط خاص مدیریت را دوست و همفکر و همکار صمیمی گروه به حساب آورد و دوشادوش او فعالانه تلاش و همکاری کنند. مشارکت مردم احساس مسئولیت افراد را برمی‌انگیزاند و انگیزشی برای همکاری برای آن‌ها به وجود می‌آورد. مشارکت عامل تقویت بنیان‌های اعتقادی و عامل بروز شکوفایی افکار و ایده هاست.

تدوین راهبردهای مبتنی بر سازماندهی مردم در رابطه با سیاست‌ها و خط‌مشی‌هایی که در جهت کسب حداکثر مشارکت مردم تنظیم می‌گردند از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است. البته باید اشاره نمود که سیاست‌های مشارکتی، به خودی خود بدون همراهی سیاست‌هایی که در جهت برقراری تساوی و عدالت اقتصادی مطرح می‌شوند. قادر نخواهد بود تأثیر مثبتی بر مطلوبیت و کارایی ارگان‌ها و نهادها در جامعه دانسته باشد. اگر به تاریخ جوامع بشری رجوع کنیم، بی تردید متوجه خواهیم شد که رمز بقا و پیشرفت آن‌ها با حمایت و حضور مردم در کلیه صحنه‌های فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و... و معاونت آن‌ها در رساندن مدیریت حکومتی به آرمان‌های مدنظرشان بوده است. از آن طرف رکود و ایجاد چالش در برنامه‌های نظام‌های حکومتی جوامع، بیشتر به خاطر عدم همراهی مردم آن نظام‌ها و تنها گذاشتن مدیریت حکومتی آن جامعه در پی به ثمر رساندن برنامه‌های از پیش تعیین شده، بوده است.

در این راستا سند چشم‌انداز بیست ساله نظام اسلامی که محتوای اصلی آن ترسیم پیشرفت و اعتلای نظام اسلامی در تمامی ابعاد و شئون این کشور می‌باشد و از سوی مقام معظم رهبری به عنوان سندی



گویا وقابل اجرا و اساسی مورد تأیید قرار گرفت. از جمله برنامه‌های ایده آل و راهبرد های این انقلاب اسلامی در برهه کنونی می‌باشد که اگر به شکل حساب شده و رعایت تمامی جوانب آن مورد بهره برداری قرار گیرد. بدون شک نظام اسلامی ایران را به پیشرفت‌های چشم گیری، در ابعاد مادی و معنوی نظام خواهد رسانید و قله‌های تکامل و فرد کفایی و سعادت رادر سطح‌های جهانی فتح خواهد نمود و مملکت را از گزند و آسیب های داخلی و خارجی مصون می‌دارد. در این میان مردم جامعه که در واقع صاحبان اصلی این نظام اسلامی هستند و چنین چشم اندازهایی برای اعتلای جامعه آنان در نتیجه ایجاد زندگی شایسته آن‌ها صورت می‌گیرد، می‌توان نقش تعیین کننده ای را به وجود آمدن چنین سندی داشته باشد مسئولین و مدیران دلسوز نظام را در اجرای آن موفق گرداند و بدون شک نمی‌توان بدون حمایت‌های مردم حاضر در صحنه در هیچ برنامه ای به نتیجه رسید. چنین چشم اندازی با دامنه وسیع آن، عنایات و توجهات خاص مردم را می‌طلبد تا بتوان به اهداف و نتایج مورد نظر آن رسید و سرنوشت خود را با تحقق چنین برنامه ایده آل به سوی سعادت و پیشرفت سوق دهند. همان گونه که بنیان گذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی «ره» مردم را مهم‌ترین عامل در پیشرفت و تکامل جامعه و تحقق برنامه‌های مورد نظر می‌داند و در مورد نقش و جایگاه مردم در این باره چنین می‌فرماید: «این را کرراً گفتم که به شرکت دادن مردم در امور توجه کنید. اگر یک کشوری را بخواهید اداره کنید تا شرکت مردم نباشد نمی‌توان اداره صحیح باشد، وقتی بنا باشد مردم در کارها شرکت کنند، مایع رشد اسلام و شما می‌شوند مردم را در همه امور شرکت بدهیم، دولت به تنهایی نمی‌تواند این بار بزرگی که الان بر دوش ملت است بردارد. همه اعتراف دارند که بدون ملت ما نمی‌توانیم. این ملت را از دست ندهید، نگهش دارید.» همچنان که مقام عظمای ولایت و رهبری، ملت و مردم را عامل اساسی پیشرفت جامعه و تحقق برنامه‌ها و اهداف نظام می‌دانند و چنین می‌فرمایند: «ملت ایران باید با ساختن جامعه نمونه که در آن پیشرفت‌های مادی و علمی به همراه معنویت و اخلاق در سطح عالی است، آ لگوی کامل از نظام اسلامی را به جهانیان ارائه کند. در واقع الگوی مشارکت عمومی جدید، به یکایک افراد جامعه این حق را می‌دهد که در تنظیم ساختار و اتخاذ تصمیمات نظام سیاسی جامعه خود، اعلام نظر و رأی کنند در نهایت شمارش عددی آراء و ترجیح اکثریت عددی بر اقلیت، به عنوان اداره و تصمیم عمومی افراد جامعه تلقی شود و این همان چیزی است که در جهت تحقق سند چشم انداز جمهوری اسلامی است. امری مهم و اساسی می‌باشد و باید گفت که این مشارکت مردمی و حمایت آنان است که می‌تواند چنین چشم اندازی را به منصفه ظهور بگذارد» چنانچه حضرت امام «ره» در مورد مشارکت عمومی و اهمیت آن چنین می‌فرماید: این ملت حق دارد، دست شما را گرفته و آورده و این بالا نشانده است باید به این مردم خدمت کنید... شما باید

توجه به این معنا کنید که ما را این‌ها آورده‌اند و وکیل کرده‌اند، وزیر کرده‌اند، رئیس جمهور کرده‌اند، این‌ها نعمت‌های ما هستند و ما باید از نعمت خودمان قدردانی و خدمت کنیم (صالحی، ۱۳۹۰، ص ۱۵).

## راه کارهایی برای افزایش مشارکت مردم:

۱- در تحقق چشم انداز بیست ساله کشور ابتدا باید مدیریت رایزنانه در کشور شکل بگیرد

شکل گیری مدیریت دولتی رایزنانه می‌تواند زمینه ساز ارائه خدمات باکیفیت به شهروندان باشد و انتظارات شهروندان را از طریق ساز و کارهای بحث عمومی مدیریت کرده، با استمرار رایزنی با شهروندان سرمایه اجتماعی کشور را ارتقا داده و مشارکت مردمی را بنا به فلسفه اخلاقی، نه ابزاری و مدیریتی محقق سازد. با شکل این نوع مدیریت به طور خودکار پاسخ گویی عمومی نهادینه خواهد شد. با نهادینه شدن پاسخگویی عمومی میزان رضایت شهروندان ارتقا خواهد یافت و به تبع آن اعتماد عمومی و مشارکت شکل خواهد گرفت که شکل گیری اعتماد عمومی در هر سطحی به تحقق چشم انداز کشور کمک خواهد کرد.

رایزنی به معنای اندیشیدن، بحث وجدل منطقی برسر مسائل و تصمیم های عمومی است. فرایند مشاوره با دیگران در فرایند دستیابی به نوعی تصمیم است که از طریق توسل به دلایل منطقی و منابع مشترک طرفین محقق می‌شود. شهرمندان در حوزه عمومی در فرایند حاکمیت مشارکت می‌کنند و مشارکت شهروندان از طریق جلسات عمومی، همایش‌ها، صندوق انتقادات و پیشنهادات و میزگردهای دیجیتالی صورت می‌پذیرد. رایزنی حائز اهمیت است زیرا یکی از مبانی اصلی در شکل گیری حاکمیت دموکراتیک است. نظریه پردازان سیاسی توجه قابل ملاحظه ای به اهمیت گفتمان عمومی در دموکراسی‌ها معطوف کرده‌اند.

می‌بایست چارچوبی ایجاد شود که در آن مشخص شود عامه مردم باید در چه زمینه‌هایی، در چه سطح یا عمقی در مدیریت دولتی مشارکت کنند (دانایی فرد، ۱۳۸۴، ص ۱۲)

۲- سطح تحصیلات تأثیر متقابلی بر میزان مشارکت افراد دارد. افراد با تحصیلات بالا ممکن است به خاطر آگاهی‌هایی که دارند در انتخابات شرکت و یا از شرکت در آن اجتناب کنند. در همین ارتباط مذهب عاملی مهم و شاید مهم‌ترین عامل در مشارکت عمومی می‌باشد، ادیان و مذاهب مشارکت جو، مثل تشیع، افراد را به مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی دعوت می‌کنند. بر همین اساس در متون اسلامی به فرهنگ مشارکت بسیار توجه شده است. محمد باقر صدر منشأ مشارکت سیاسی و اجتماعی را محتوای درونی انسان‌ها می‌داند. محتوای درونی انسان‌ها در حقیقت اندیشه و اراده او را



تشکیل می‌دهد و اساس جنبش‌ها را پدید می‌آورد. به عبارت دیگر محتوای درونی انسان‌ها، زیربنا و مجموعه پیوندهای اجتماعی و ساختار زندگی بشر روبنای زندگی اجتماعی محسوب می‌شود. پیوند محتوای درونی انسان‌ها با وضعیت اجتماعی بیانگر نوعی رابطه‌ی علی است که آیه شریفه «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم» (قرآن کریم، رعد، آیه ۱۱) بر آن دلالت می‌کند. این آیه به صراحت اعلام می‌کند که تغییر در سرنوشت اجتماعی انسان‌ها به تغییر در اراده‌ی فردی آن‌ها بستگی دارد و نقش آگاهی‌های عمومی را در گسترش مشارکت سیاسی نمی‌توان نادیده گرفت. درجه‌ی آگاهی سیاسی و اجتماعی شهروندان رابطه مستقیم با میزان و کیفیت جریان تبادل اطلاعات و سهولت دسترسی به آن و اعتماد عمومی دارد. معمولاً گرایش‌های حزبی، صنفی، گروهی اجتماعی و سیاسی مردم و واکنش آنان در برابر عملکرد حکومت در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی به پیش زمینه‌های آگاهی بستگی دارد.

۳- تأمین اعتبارات و کمک‌های فنی و حرفه‌ای همراه با پدید آوردن زمینه گسترش آگاهی‌های عمومی است. آگاهی‌های عمومی افزون بر تأثیر بر مشارکت، در ثبات رأی و اندیشه افراد و مقاومت در برابر تهاجم تبلیغاتی رسانه‌های جمعی نیز مؤثر است

۴- گسترش عرضه مطالب و اطلاعات برای آشنایی مردم با مبانی قانون اساسی و دیدگاه‌های اسلام درباره مشارکت از طریق رسانه‌های گروهی (دیلمی، ۱۳۸۹، ص ۲۱)

۵- از عوامل دیگری که می‌تواند در تحقق کامل سند چشم‌انداز نظام اسلامی مؤثر باشد، واگذار کردن بخش‌های مختلف آن سند به متخصصین و صاحب‌صلاحیت‌های جامعه بصورت برنامه‌ریزی شده می‌باشد. شکی نیست که برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری کلان از کارهای مهم و اساسی کشور می‌باشد و باید در این زمینه نهایت دقت و هوشیاری را به خرج دهیم ولی علاوه بر آن مرحله اجرای آن و خارج ساختن چنین طرح عظیمی در قالب سند چشم‌انداز نظام مقدس اسلامی، از اهمیت و جایگاه بشری برخوردار می‌باشد. با توجه به نقش اساسی مردم و مشارکت آنان در توسعه و آبادانی کشور، می‌بایست زمینه‌های مختلف سند چشم‌انداز اعم از فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و نظامی و ... در میان افراد جامعه با توجه به تعهد و ظرفیت‌های کاری آنان، ارائه شود و از آنان برای جامه عمل پوشاندن به طرح‌ها و برنامه‌های حیطة تخصص آن‌ها، کمک خواست. در چنین شرایطی است که می‌توان یک چهره مردم‌سالاری و مشارکت عمومی را در جامعه اسلامی مشاهده نمود و در آینده‌ای نزدیک پیاده شدن سند چشم‌انداز نظام اسلامی را در تمامی ابعاد آن، نظاره کرد. (صالحی، ۱۳۹۰، ص ۱۴)

۶- شناسایی توانایی، قابلیت افراد جامعه و سپس تعریف فضای مشارکتی مشخص و پذیرش منطقی مشارکت دادن دیگران در امور (پایگاه اطلاع‌رسانی شهرداری مشهد، ص ۱، ۱۳۹۰)

۷- عمده‌ترین عامل تأمین مشارکت، آگاهی و علاقه مردم و حاکمیت فرهنگ تعلیم و همیاری در جامعه است. تا زمانی که نتوان مردم را به این باور و یقین کشاند که با مشارکت، تعاون و همیاری می‌توان به جامعه ای موفق تر و سعادتمند دست یافت و تا زمانی که نتوان فرهنگ خود محوری و خودپسندی را در جامعه از میان برداشت، تأمین مشارکت مردم امکان پذیر نخواهد بود. (انصاری، ۱۳۹۰، ص ۸)

۸- ارتباطات دو طرفه از جمله رسانه‌ها، آموزش عمومی دولت (آموزش متقابل)

۹- مشاوره با ذینفع‌ها، در گیر ساختن شهروندان و ساختارهای گفتگوی مستمر (کمیته‌های مشورتی). (دانایی فرد، ص ۱۲، ۱۳۸۴)

### نتیجه گیری:

امروزه تمام دغدغه همه دولت‌ها جلب رضایت ملت از حکومت می‌باشد و تلاش و کوشش آن‌ها برای برآوردن نیازهای افراد جامعه است. همانطور امام خمینی «ره» مردم را مهم‌ترین عامل در پیشرفت و توسعه برنامه‌ها می‌داند. با توجه به اینکه حمایت و اعتماد مردم در اجرای سیاست‌های توسعه نقش به سزایی دارد، دولتمردان باید مردم را در تصمیمات و سیاست‌های توسعه کشور مشارکت دهند تا به جامعه ای موفق و سعادتمند تبدیل شوند. در ارائه سیاست‌ها و اجرایی راهبردها دولتمردان باید به طور صادقانه و شفاف با مردم ارتباط برقرار کنند و این تعامل و مشارکت به طور موثری برقرار باشد که اعتماد مردم را به دست آورند و مردم بدانند که دولت تأمین کننده رفاه و پیشرفت زندگی آن‌ها است. تشکیل کمیته‌های مشورتی و شکل گیری مدیریت دولتی رایزنانه از مهم‌ترین راهکارهایی است که دولت باید با استفاده از آن‌ها آحاد مردم را در طرح‌ها و سیاست‌های خود سهیم سازد و اعتماد آن‌ها را به دست آورد. پس می‌توان نتیجه گرفت که مشارکت مردم در الگوی پیشرفت منافع بالقوه ای را برای حکومت در پی دارد و دولت باید به فکر جلب مشارکت و اعتماد مردم در اجرای سیاست‌های خود باشد.

### منابع و مأخذ:

- ۱- دانایی فرد، حسن، ۱۳۸۴، کمال مدیریت، ویژه نامه مدیریت دولتی و چشم انداز جمهوری اسلامی، ش ۸ و ۹، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه شهید بهشتی
- ۲- صالحی، غلام رضا، همایش ملی سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، نقش مردم در تحقق سند چشم انداز بیست ساله نظام اسلام
- ۳- دیلمی، محمد جواد، مشارکت اجتماعی و راهکارهای تقویت آن، انجمن روابط عمومی ایران



۴- غفاری، غلامرضا؛ تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی، اقتصادی سازمان یافته روستاییان به عنوان مکانیزمی برای توسعه روستایی ایران، پایان نامه دکتری، رشته جامعه‌شناسی توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۴۷

۵- سعیدی، محمدرضا؛ درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی، تهران، سمت، ۱۳۸۲، ص ۱۱.

۶- اینگلهارت، رونالد، ترجمه مریم وتر، انتشارات کویر، ۱۳۷۳

۷- ادیب، محمدوجوانی، لیلا، مشارکت فرهنگی، محور اصلی توسعه، ماهنامه موج عصر، ش ۱۳ و ۱۴

۸- پایگاه اطلاع رسانی سازمان فرهنگی، تفریحی شهرداری مشهد، ۱۳۹۰

۹- خبرگزاری بین المللی کردپرس ۱۳۹۰

۱۰- انصاری، محمد اسماعیل، مشارکت اجتماعی و نقش آن در وفاق اجتماعی

۱۱- راش، مایکل، جامعه و سیاست: مقدمه ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه صبوری، منوچهر

(۱۳۸۱)، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها

۱۲- مصطفایی، عبدالحمید (۱۳۸۷)، وفاق اجتماعی: آسیب شناسی و راهبردهای گسترده آن، تهران:

آوای نور

